

سفیر تو حید در سرزمین هزار معبد

گزارش علامه مصباح یزدی از سفر به هندوستان

هادی یزدان پرست

ظرف چند دقیقه انسان تحت تاثیر قرار بگیرد؛ آن هم کسی که برای هر کار خود حجت و دلیل شرعی دارد.

مصباح دین

در دیدار جامعه الزهراهای لوکنهو، خواهران طلبه با نیت خیر مقدم، مدرسه را به طور گسترده تزئین کرده‌اند. در گوشه و کنار جملاتی از سر احساس و احترام بر مقوای سفید به فارسی نوشته بودند: «صل علی محمد مصباح دین خوش آمد»؛ «صل علی محمد مهر مبین خوش آمد». همین جمله‌ها هنگام ورود به سالن نیز توسط طلاب خواهر چنین انداز می‌شود.

خوش استقبال و خوش بدرقه

در هندوستان شش امامی‌ها بسیارند. دسته‌ای سلیمانی و گروهی داودی. سلیمانی‌ها را اسماعیلی و داودی‌ها را بُهره‌ای می‌گویند؛ و بهره‌ای‌ها با وجود برخی خرافات و اعتقادات نادرست، به شیعیان نزدیک‌ترند. گفته می‌شود بهره‌ها غیر از خودشان را در مسجدشان راه نمی‌دهند. اما ظاهراً برای شخصیت‌های مهم استثناء قائل‌اند. آیت‌الله مصباح از جمله کسانی بود که از او در این مسجد استقبال نمودند.

بعد از دیدار مسجد، آیت‌الله با برخی بهره‌ها درباره مسلک و مراسم‌شان صحبت می‌کنند و بعد از خواندن نماز تحیت مسجد، هنگام خروج یکی از بهره‌ها می‌کوشد که بر دستان علامه بوسه زند که ایشان مانع می‌شود. آنان هم خوش استقبال بودند هم خوش بدرقه.

چراغ

هندی‌ها عموماً و مسلمانان و شیعیان خصوصاً از علاقمندان ایران هستند. یکی از شعرا هنگام حضور آیت‌الله در کنسولگری حیدرآباد در جمع علماء، بزرگان و مهمانان خطاب به آیت‌الله مصباح می‌گوید: «چراغ مکان خاصی ندارد و هر جا که باشد، همه جا را پر نور می‌کند. ما هم از نور ایشان

و بازدید از دانشگاه هم‌درد، تاج محل، بمبئی، لال قلعہ، تمپل گل‌ها، مسجد جامع لکنهو، جامعہ الزهراء لکنهو، حوزه علمیه ناضمیه، حیدرآباد، قلعه گل‌کنده، موزه سالار جنگ و دربار حسینی، بنگلور و مرکز میکروفیلم نور دهلی، فهرستی کوتاه از فعالیت‌های استاد در این سفر است. گزارش این سفر علمی، تبلیغی و تحقیقاتی در کتاب «سفر به سرزمین هزار آئین» به همراه متن کامل سخنرانی‌ها و گفتگوهای ایشان با شخصیت‌های علمی و مذهبی در بخش‌های متنوع به صورت مصور توسط موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی نتژ منتشر شده است.

شاگردان علامه در هند

بخشی از زحمات طاقت‌فرسای طلاب در تبلیغ دین و جذب جوانان و برگزاری کلاس‌های درس در مراکز علمی و مساجد، توسط طلابی بود که بعد از انقلاب از حوزه علمیه قم و نیز از موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی نتژ به آن‌جا رفته و خود منشا خدمات بزرگی شده بودند.

بوسه متواضعانه

حوزه علمیه سلطان المدارس در لکنهو مشهورترین مدرسه دینی این شهر است. مسئول مدرسه، روحانی وارسته‌ای به نام مولانا سید محمد جعفر رضوی است. به احترام آیت‌الله به زحمت از جا بر می‌خیزد و خیلی کم‌حرف و برخلاف هندی‌ها، آهسته‌گو است. لحظاتی نگاه‌های آیت‌الله و مولانا رضوی با تبسمی بر لب به هم گره می‌خورد و قفل می‌شود. اطرافیان متوجه معنای این نگاه نمی‌شوند و در پایان بعد از مرور برنامه و محتوای دروس مدرسه، هنگام خداحافظی دو جلد کتاب از تالیفاتش را به آیت‌الله هدیه می‌دهد که در ابتدای آن نوشته بود: «هدیه الی الاخ المحترم آیت‌الله مصباح دام ظلّه». هنگام خداحافظی برعکس هر جای دیگر، علامه متواضعانه بر دستان مولانا بوسه می‌زند. و با خود فکر می‌کنیم مگر می‌شود



اشاره:

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. در این عصر بحران مغنوبت، دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه عالمان دین، بس عظیمرتر و سخت دشوارتر است.

علامه مصباح یزدی رضوان‌الله علیه در سال ۱۳۸۲ در امتثال فرمایش مقام معظم رهبری، در سفری به هند از حوزه‌های علمیه آن‌جا دیدار نموده و وضعیت شیعیان و مسلمانان هند و وضعیت علمی و آموزشی حوزه‌های علمیه و نیازها و امکانات آن‌جا را ارزیابی کردند.

علامه مصباح یزدی در سال ۱۳۸۲ به درخواست مقام معظم رهبری، در سفری به هند از حوزه‌های علمیه آن‌جا دیدار نموده و وضعیت شیعیان و مسلمانان هند و وضعیت علمی و آموزشی حوزه‌های علمیه و نیازها و امکانات آن‌جا را ارزیابی می‌کنند.

سفر ایشان در سن ۶۹ سالگی، از ۱۹ شهریور ۱۳۸۲ از دهلی نو آغاز و تا یک‌ماه ادامه می‌یابد. مرحوم علامه مصباح بیست و هفت سخنرانی در جمع نخبگان و ایرانیان مقیم هند، طلاب خواهر و برادر حوزه‌های علمیه شیعی و اهل سنت، بازدید از مراکز مهم علمی و فرهنگی و نیز ملاقات با شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار علمی و فرهنگی

فیض می‌بریم...» در پایان مراسم دسته گل‌هایی که ایرانی‌های مقیم آورده‌اند به گردن آیت‌الله می‌اندازند.

صحبت با طلاب

حیدر آباد پنج یا شش حوزه شیعی دارد و نزدیک به صدر مرکز مذهبی برای اهل سنت. آیت‌الله در دیدار از مدارس علمیه حیدر آباد، ضمن تامل و بررسی برنامه‌های درسی و محتوای آن‌ها، و علاوه بر دیدار با اساتید و مدیران مدارس علمیه، به حجره طلاب می‌رفت و با طلاب نیز دیدار و گفتگو می‌کرد و درددل‌هایشان را می‌شنید؛ ساده و بی‌آلایش. آموزش عقاید و آموزش فلسفه از جمله کتاب‌های علامه دروسی است که در مدارس حوزه علمیه حیدرآباد تدریس می‌شود.

سخنرانی برای کودکان

مدینه‌الرسول از مدارس اهل سنت بود؛ ویژه کودکان و نوجوانان که در آن قرآن و زبان عربی و احکام و مهارت‌های خیاطی و گلدوزی و... می‌آموختند. در جایگاه سخنرانی روی تخته سبز رنگی نوشته‌اند: «خوش آمدید جلاله العلم نماینده حضرت رهبر معظم انقلاب آیت‌الله تقی مصباح حفظه الله و جمع معززین اسلامیة جمهوریہ ایران». آیت‌الله علاوه بر دیدار با مسئولان مدرسه با کودکان چهار پنج ساله تا چهارده پانزده ساله نیز گفتگو و با چهره خندان برایشان به زبان فارسی، ساده و بسیار کوتاه سخنرانی کرد.

آیت‌الله همچنین در همایش سالانه نهج البلاغه در یکی از موسسات آموزشی ویژه نوجوانان در حیدرآباد نیز شرکت کرده و برای ایشان سخنرانی می‌کند. با ورود آیت‌الله یک نفر چند بار فریاد کشید «نعره حیدری»؛ و دیگران هر بار جواب می‌دادند: «یا علی».

پارچه نوشته‌ها

مردم شهرک علیپور در شمال شهر بنگلور بیش از هر جای دیگر حلقه‌های گل به آیت‌الله هدیه کردند. سلام و صلوات و نعره حیدری و گاه به فارسی؛ استقبال مشترک در بیشتر این اجتماعات بود. در حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) که محل سخنرانی است، چند جمله را به فارسی به روی پارچه نوشته‌اند: «آقای مصباح ذو الشهادتین است» که اشاره به سخن امام در سال‌های ۴۱ و ۴۲ است؛ وقتی که می‌بایست در مساله دو نفر شهادت می‌دادند اما وقتی آقای مصباح شهادت داد، امام این جمله را فرمودند. همچنین جمله‌ای از علامه طباطبایی (ع) به روی پارچه‌ای به چشم می‌خورد: «مصباح در میان شاگردان من مانند انجیر در میان سایر میوه‌هاست؛ چراکه فکر او هیچ چیز دوراندختنی و زایدی ندارد». و سخنی از مقام معظم رهبری: «من خودم به این آقا(مصباح) علاقه دارم. برای این که شمشیر

اسلام در مقابل کفر است». روحانی سیدی در ابتدای مراسم سخنرانی کرد و افتخار می‌کرد که: «وقتی من در قم تحصیل می‌کردم شاگرد این آقا استاد من بودند».

مرده باد؛ زنده باد

در پایان سخنرانی که نوبت پرسش و پاسخ علی‌پوری‌ها بود، وقتی آیت‌الله به نقل از امام گفتند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، یکی از میان جمعیت فریاد زد: آمریکا و بقیه پرشور جوابش دادند: مرده باد. فریاد زد: اسرائیل، جمعیت جواب دادند: مرده باد. فریاد زد: جمهوری اسلامی، مردم پاسخ دادند: زنده باد. فریاد زد: خامنه‌ای، مردم جواب دادند: زنده باد.

